

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱ آذر ۱۴۰۰
۱۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ ● ۲۲ نوامبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم ● شماره ۴۱۵۰ ● ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ ● اذان مغرب ۱۷:۱۳

اذان صبح فردا ۵:۲۰ ● طلوع آفتاب ۶:۴۸

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

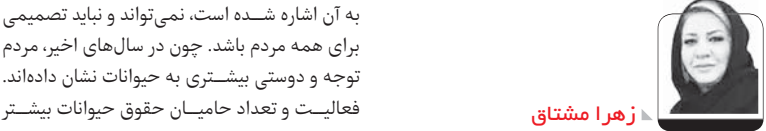
حدود ۲۰۰ تن کالای انباشته‌شده در انبار اموال تملیکی تهران بارگیری و برای املای اصولی منتقل شد. عکس: علیرضا زینعلی، باشگاه خبرنگاران جوان



یادداشت

طرح «صیانت حقوق عامه در مقابل حیوانات خطرناک و مضر»

غیرضروری‌ترین طرح مجلس



زهرآ MOSTAFAEI

اگر یکی از معیارهای سنجش عملکرد هر نهاد، مصوبه‌ها و قوانین اجرایی آن باشد، طرح «صیانت حقوق عامه در مقابل حیوانات خطرناک و مضر» که در تاریخ ۱۸ آبان سال جاری در مجلس شورای اسلامی طرح شد، یکی از عجیب‌ترین و غیرضروری‌ترین طرح‌هایی است که آحاد مردم را به واکنش واداشت. در شرایطی که مردم کشور با سخت‌ترین مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و انواع دیگر مشکلات جدی داخلی و بین‌المللی روبرو هستند، آیا موضوع مهم اهالی مجلس سگ‌ها و گربه‌ها و دیگر حیوانات است، طرحی که در مقاطع مختلف و با عناوین مشابه در مجلس ارائه و اکنون در یک‌دستی قوا به نظر می‌رسد اراده راسخی در تصویب آن وجود دارد. بیان چنین طرحی اساسا بیش از هر چیز نه‌تنها نشان‌دهنده دوربودن اهالی مجلس از نگاه و خواسته‌های مردم است، دخالت در جزئی‌ترین امور فردی نیز محسوب می‌شود. این طرح بیش از آنکه صیانت از حقوق عامه مردم باشد، یک رویارویی جدی با علایق قشری وسیع از مردم است. اگر نگاه سلیقه‌ای در مجلس به خود اجازه می‌دهد که به جای مردم فکر کرده و به جای آنها در چنین امر غیرلازمی ورود کرده و تصمیم بگیرد، معنایش نبود اشرف صحیح بر وظایف نمایندگی مردم است. تصویب چنین طرح‌هایی درست مثل عملکرد سداوسیما در حذف و نمایش بخش وسیعی از مردم است. چه کسی گفته است سگ‌ها و گربه‌ها مضر و خطرناک هستند؟ زندگی انسان‌ها از بدو خلقت عین‌با طبیعت و حیوانات بوده است و حضور حیوانات عنصری مهم در چرخه طبیعی هستی بوده است، وجود حیوانات موجب بروز عواطف عمیق انسانی و ایجاد دوستی و آرامش است. در جایی که یکی از معیارهای رشد و توسعه کشورها، میزان دوستی و اهمیت به حیوانات است، عدم علاقه نمایندگان مجلس به حیوانات و بعضا تلقی نچس از حیوانات که در بند یک ماده ۶۸۸ نیز



این طرح با مستثنا کردن سازمان‌هایی مانند هلال‌احمر، نیروهای مسلح و انتظامی، مراکز و آزمایشگاه‌های تخصصی و درمانی و چند مورد دیگر در بقیه موارد، واردات، تولید، تکثیر و پرورش، خرید و فروش و حمل‌ونقل و گرداندن اعم از پیاده یا با وسیله نقلیه و نگهداری از حیوانات وحشی نامتعارف، مضر و خطرناک از قبیل تمساح، مار، سوسمار، موش، میمون، لاکپشت، گربه، خرگوش و سگ را غیرقانونی دانسته و جزای نقدی ۱۰ تا ۳۰ برابر حداقل حقوق یک کارگر و ضبط حیوان برای اجرای آن در نظر گرفته شده است.

مفاد این طرح نشان‌دهنده عمق ناآگاهی نویسندگان آن در برابر حیوانات و حامیان آنهاست. آنچه کنشگران حوزه محیط زیست و حقوق

حیوانات را به فغان آورده است، دادن مجوزهای شکار بی‌دلیل و بی‌رویه از سوی سازمان محیط زیست است. عدم آموزش روستاییان در برخورد با حیواناتی مانند ببر و خرس و جلوهگری از کشتن وحشیانه آنهاست که بارها دیده شده است، و همین اواخر داستان دردناک کروکودیل‌ها است که زنده‌زنده پوستشان کنده می‌شود و شکارچیان مجوز فعالیت رسمی از سازمان محیط زیست دارند. دادخواهی حامیان حیوانات برای سگ‌های بیوایی است که توسط پیمانکاران مرتبط به شهرداری با گلوله، سم و اسید به شکلی غیرانسانی و کاملا غیراخلاقی کشته می‌شوند. فریاد حامیان از ورود غیرقانونی انواع حیواناتی است که به شکلی دردناک از کشورهای دیگر وارد و مورد آسیب و ظلم قرار می‌گیرند؛ اما این طرح به طور مستقیم سگ‌ها و گربه‌هایی را هدف قرار داده که زندگی دوستانه و مسالمت‌آمیزی با انسان‌ها دارند. شرکت در طرح کارزار و جمع‌آوری امضا برای خارج‌شدن این طرح از دستور مجلس، یک پیام کاملا مستقیم و مشخص دارد؛ اگر شما به حیوانات علاقه‌ای ندارید، اجازه ندراید به جای ما فکر کنید و تصمیم بگیرید. نمی‌توان در یک قانون من‌درآوردی از ورود حیوانات به پارک‌ها، خیابان‌ها، اتومبیل‌ها یا خانه‌ها جلوهگری کرد. نمی‌توان در علایق و افکار خصوصی مردم دخالت کرد. در بند دوم همین ماده ۶۸۸ اتحادیه صنف مشاوران املاک موظف شده‌اند سه ماه پس از ابلاغ رسمی این قانون، ممنوعیت نگهداری حیوانات را که موضوع این قانون است، جهت اطلاع و رعایت موازین از سوی مالکان و مستأجران در قراردادها به طور رسمی ذکر کنند و در صورت تخلف، طریفس به جای نقدی و ضبط حیوان محکوم خواهند شد!

این روزها بزرگراه‌های شهر آکنده است از عکس‌های غول‌آسای داستان‌نویسانی که نام اکثریت ایشان را برای اولین بار می‌شنوی. برخی از ایشان آشکارا به تفکرات رسمی پایبندند و تعداد کمی هم نویسندگان کودک، که مثنی سیاسی خاصی ندارند! خوشبختانه اکثریت عظیمی از داستان‌نویسان فارسی در این بیلبورها حضور ندارند وگرنه ممکن بود اسباب ناراحتی‌شان بشود. هیچ چیز جز مخاطب واقعی یک نویسنده واقعی را سر شوق نمی‌آورد. مخاطبانی که با انتشار هر اثر آن را می‌یابند و تکثیر می‌شوند. اینکه این داستان‌نویسان بزرگراهی بیشتر از یک گرایش خاص سیاسی انتخاب شده‌اند دور از انتظار نیست، آنچه بی‌سابقه و دور از انتظار است. ارتباط تبلیغات بزرگراهی برای نویسندگان است.



بابک زمانی
نورولوژیست

چراکه فرض بر آن است که خود اثر باید جای خود را در قلب و روح مردم پیدا کند و نام نویسنده‌اش را در ذهن‌ها حک کند. ادبیات و به‌خصوص ادبیات داستانی جهانی مستقل در کنار و در امتداد همین جهان ماست؛ خیالی که از همین واقعیت می‌روید. تنها تناسب و زیبایی آن است که به آن قوامی خودسامان می‌دهد و زندگی دوباره‌ای برای خواننده فراهم می‌کند تا با نویسنده یک بار دیگر به زندگی واقعی‌اش با تمام ابعاد آن ببنشد. چنین توان و نوعی را نمی‌توان با بیلبورد به دست آورد. بنابراین نویسنده بزرگراهی نامی است که بر این اسامی خواهد ماند و به شکل تعبیری خاص در ادبیات در خواهد آمد. موضوع این است؛ آیا ادبیات به تبلیغ و حمایت نیاز دارد یا خیر؟ آیا ادبیات با تبلیغ و حمایت رشد می‌کند یا تنزل می‌یابد؟ برعکس آیا سانسور و فشار باعث شکوفایی خلاقیت است؟ طرفه آنکه تبلیغ و حمایت، ادبیات تولید نمی‌کند. نام‌های بزرگراهی با همان سرعت ماشین‌ها فراموش می‌شوند. اگرچه فشار و سانسور هیچ‌گاه سدی در برابر خلاقیت ادبی نبوده و گاه

زنان

«نیمرخ»؛ غم‌نامه‌ای از کابل

«آهای دختر! موبایل‌ت را بگذار داخل کیف‌ت، موبایل‌ت را جمع کن، شهر را طالبان گرفته است، تو خبر نداری!». این حرفی است که یکی از شهروندان نگران به فاطمه می‌گوید. ایندیندنت گزارشی تهیه کرده است درباره چند زن افغانستانی و اتفاقاتی که پس از حضور طالبان در زندگی‌شان رخ داده است. فاطمه یکی از آنهاست. فاطمه‌ای که تا همین دیروز یکی از اعضای فعال جامعه زنان افغانستان بوده و آخرین شماره نشریه‌اش را هم همین دیروز روزی که طالب‌ها کابل را گرفتند، منتشر و راهی دهک‌های کابل و سایر ولایات کرد. «نیمرخ» که مثل صدای فاطمه در جامعه زنان کشورش، صدایی جدید در فضای مطبوعاتی افغانستان بود. نشریه‌ای که سال ۲۰۱۷ او به همراه ۱۰ نفر از دوستان دانشگاهش راه‌اندازی کرده بود و تمرکزش بر موضوعات و مسائل زنان بود. آنها در آخرین شماره نیمرخ به ماجرای زایمان زنی در خیابان‌های کابل پرداخته بودند. یک روز بعد از انتشار این شماره که خودشان هم فکرش را نمی‌کردند آخرین شماره نیمرخ باشد، طالب‌ها کابل را گرفتند، رئیس‌جمهور از کشور فرار کرد و همه بنیان‌های دموکراسی که در این کشور شکل گرفته بود، به طره‌العینی با خاک یکسان شد. از جمله آزادی او‌که تا همین روز قبلمش در خیابان دفتر نشریه‌اش با عبور و افتخار قدم می‌زد و حس می‌کرد بخشی از جامعه زنان تأثیرگذار افغانستان است و حالا همه چیز را از دست داده بود. حالا حتی نمی‌توانست در همان خیابان با آزادی قبلی گام بردارد. دیگر داشتن دفتر و محل کارش که موضوعی دیگر بود. فاطمه روشن‌شان به ایندیندنت می‌گوید: «در جریان کار با نهادهای اجتماعی به ۲۷ استان از ۳۴ استان افغانستان سفر کردم. آنجا با زنان و دخترانی ملاقات کردم که در بدوی‌ترین حالت ممکن زندگی می‌کردند. زانی که چیزی از حقوق انسانی‌شان ندانستند، دختران خانواده‌های فقیری که برای خدمت به خانه‌های اربابان روستا، به نکاح پسران حتی نابالغ ارباب درمی‌آمدند و به نام عروس برای کنیزی به خانه ارباب روستا می‌رفتند». فاطمه گفت در جریان سفر و کار به شهرستان‌ها و روستاها، زنانی را ملاقات کرده است که بدون آگاهی از بهداشت و در نبود امکانات بهداشتی، در اثر زایمان یا دیگر بیماری‌های زنانه، زندگی سخت و مشقت‌باری داشته‌اند و هزاران روایت دیگر از خشونت و نابرابری و بی‌عدالتی که در هیچ جا روایت نشده‌اند. به باور فاطمه، این چرخه موروثی خشونت و انکار هویت انسانی زن، به یک بخش از افغانستان یا قوم و گروه مشخصی هم خلاصه نمی‌شود، بلکه وضعیت در همه استان‌ها و شهرستان‌ها یکسان است. او در نشریه‌اش تلاش می‌کرد زنان را از کلیشه زن خانه‌دار و کدبانو خارج کند و با نقد رفتار مردسالار جامعه به زنان کمک کند که نخست به وضع خود آگاه شوند و دیگر اینکه کنشگر باشند. فاطمه روشن‌شان، سرانجام ۱۴ اکتبر به کمک یک سازمان حقوق بشری از افغانستان خارج شد و اکنون در گوشه‌ای از اروپا در کمپی که هزاران مهاجر دیگر افغان نیز موقت در آن زندگی می‌کنند، برای نسخه مجله نیمرخ آنلاین می‌نویسد. او به ماجراجویی‌هایش برای کشف زندگی زنان و روایت آن برای دیگران از طریق مجله نیمرخ در اقامتگاه پناه‌جویان نیز ادامه می‌دهد. وقتی با فاطمه صحبت می‌کردم، مأموران کمپ برای بررسی نیازهای مهاجران به اتاق‌های آنان سر می‌زدند. وقتی یک مأمور از فاطمه درباره اینکه آیا لباس یا چیز دیگری نیاز دارد پرسید، او گفت: همین لباس‌هایی که توانستم با خودم از کابل بیآورم برایم کافی است، اگر ممکن است به من یک لپ‌تاپ بدهید که برای نوشتن به آن نیاز دارم.



آکادمی

نویسنده بزرگراهی

حتی‌این را ن پرورش می‌دهد، مثل نمونه بی‌نظیر مرشد و مارگریتا و بسیاری از ادبیات موفق مثل ادبیات آمریکای لاتین که در تکنوا پدیدار شدند، اما از یاد نبریم غنی‌ترین ذخایر ادبی جهان چه در ادبیات روس - جنگ و صلح و...- و چه در ادبیات اروپای غربی متعلق به ملتقای قرن ۱۹ و ۲۰ است که نه ادبیات حمایت می‌شد و نه دولت‌ها موانع جدی و سانسور شدید اعمال می‌کردند و جهان هنوز وارد جنگ‌های جهانی خانمان‌سوز هم نشده بود -جوسپ، پروست، کافکا و...- یا در شرایطی خلق شدند که سیاست نه به له و نه علیه ادبیات کاری می‌کرد، فاکتور، همینگوی و...

بی‌تردید بسیاری از این نویسندگان به‌خصوص آنها که برای اندکی تنوع در نام‌ها و به مدد شیرینی قصه‌های کودک‌کی‌شان بر این جمع اتوبانی افزوده شده‌اند هم نباید از تبلیغ نام و شکل و شمایل خود بر اتوبان‌های شهر -در کنار تبلیغ یخچال و شلات و سینمای خانگی- خیلی ناراحت باشند. حافظه اتوبانی همه چیز را با سرعت به فراموشی خواهد سپرد.

کودکی

صدها حق مغفول‌مانده

طاہرہ پڑوہش

حقوق موضوعه در هر کشوری براساس نیازهای جامعه تدوین می‌شود. بشر سالیان متمادی زندگی روزمره‌اش را با تکیه بر قوانین کلیسا اداره کرد. از قرن پانزدهم به بعد که اومانیسزم در جوامع اروپایی مطرح شد و انسان صحنه‌گردان زندگی اجتماعی شد، حقوق فردی به‌مثابه نوزادی در حال شکل‌گیری بود.

بعد از گذشت پنج قرن و تغییرات اساسی در نوع زندگی بشر، نیازهای زندگی روزمره مبنای تدوین قوانین شده است.

حقوق کودک در کشور ما آن‌چنان که باید به رسمیت شناخته نشده است. جمهوری اسلامی ایران با پذیرش و امضای پیمان‌نامه حقوق کودک، گام بلندی را در راستای شناخت حقوق کودکان برداشت. با وجود اینکه از ماده اول پیمان‌نامه در تعریف کودک دچار ابهامات و اختلاف‌نظرهای جدی بوده، طرح بحث حقوق کودکان حساسیت جامعه را نسبت به کودکان در بی داشته است. اکنون که انسان به زندگی‌اش در دوران کودکی برمی‌گردد به صدها مورد نقض حقوق کودک در خاطرات کودکی‌اش بر می‌خورد که اتفاق افتاده و تأثیرات نامطلوبی بر فرایند رشد و تکوین شخصیت او داشته است.

بیش از ۳۲ سال از تدوین پیمان‌نامه می‌گذرد و کودکان با شرایط جدیدی در زیست روزمره روبرو شده‌اند، از تغییرات اقلیمی گرفته تا تغییرات در تکنولوژی که فضای مجازی را آفریده، زندگی و آینده کودکان را تحت تأثیر قرار داده است که تدوین‌کنندگان پیمان‌نامه در آن زمان با چنین پدیده‌هایی مواجه نبوده‌اند. کمیته حقوق کودک بنا به ضرورت پروتکل‌هایی را به پیمان‌نامه حقوق کودک ضمیمه کرده است که پروتکل‌های الحاقی خوانده می‌شوند. یکی از این پروتکل‌ها جلوگیری از به‌کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه و ممنوعیت استفاده از کودکان در جنگ است که جمهوری اسلامی ایران هنوز به امضای‌کنندگان این الحاقیه (ممنوعیت حضور کودکان صفر تا ۱۸ سال در جنگ) نپیوسته است. ایران پروتکل الحاقی فروش، فحشا و هزینه‌نگاری کودکان را در سال ۱۳۸۶ امضا کرده است. چنان‌که شاهدیم ممکن است صدها حق مغفول‌مانده وجود داشته باشد که هنوز مناسبات اجتماعی کنونی بستر مناسب را برای به‌رسمیت‌شناختن این حقوق فراهم نکرده است.

نیازهای هر جامعه و شناخت درست سیاست‌گذاران از نیازهای روزمره آدمیان، قوانینی را می‌آفریند که حافظ منافع مردم آن جامعه باشد و راه را برای زندگی متناسب با شرایط آن جامعه تسهیل و هموار کند.

بیش از چهار دهه از انقلاب می‌گذرد و با نگاهی به قوانین موجود در کشور متوجه می‌شویم که قوانین کشور ما پاسخ‌گوی نیازهای امروزه مردم کشورمان نیست. از آنجا که دولت‌ها امروزه نمی‌توانند بدون توجه به تجربه‌های جهانی امورات کشورها را اداره کنند، دولت‌ها مقاله‌نامه‌های بین‌المللی را امضا می‌کنند و متعهد به اجرای موارد مطرح‌شده در آنها به‌عنوان قوانین کشور می‌شوند. از آنجا که برای اجرای این قوانین نیاز به بسترسازی است و برخی از مفاد این مقاله‌نامه‌ها براساس نیاز این کشورها تنظیم شده است، این قوانین در برخی از کشورها ناقص اجرا می‌شوند و گاه عملا اجرایی نمی‌شوند.

در کشور ما قوانین براساس فقه تدوین می‌شود. احکام ثانویه این امکان را به قانون‌گذار می‌دهد که بتواند قوانین را با توجه به مقتضیات روز تفسیر کند.

اکنون در زمینه قوانین مربوط به حوزه کودکان با نقص‌های جدی روبرو هستیم. این مشکل در سند ملی حقوق کودک به وضوح در تعریف دوران کودکی آمده است که شرح، طفل به بلوغ نرسیده را کودک می‌داند و همه قوانین حمایتی را نیز برای این دوران وضع می‌کند. با توجه به کارنامه ۴۳‌ساله بعد از انقلاب، آیا زمان آن فرا نرسیده است که منشا قانون‌گذاری به نیازهای جامعه برگردد. آیا نتیجه مطلوبی از آموزش‌ها در مدارس گرفته‌ایم؟ آیا بزرگسالان کنونی راه زندگی طیبه را که در سند تحول آموزش و پرورش آمده است طی کرده‌اند؟

۴۴۵۳۳۷۲۵
تلفن: صمیم
چاپ: صمیم
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴

فرانسس ۲۴: رئیس‌جمهوری فرانسه تأکید کرد ماهی‌گیرانی را که در دوران پسارگزیته، خواهان مجوز صید در آب‌های جزیره جزری (یکی از جزایر مانش) هستند «رها نخواهد کرد». مکرون گفت: «ما همچنان به جنگیدن ادامه می‌دهیم.» او با این حرف، به تنش‌های اخیر و جدلهایی لفظی دامن زده که می‌تواند به یک جنگ تجاری با انگلیس تبدیل شود.

نشنال: لطیف العانی یکی از مشهورترین عکاسان عراق در ۸۹سالگی از دنیا رفت. العانی را بسیاری «پدر عکاسی» کشور عراق می‌نامیدند. او همین‌طور به واسطه ثبت زندگی روزانه مردم عراق در دوران طلایی این کشور شناخته می‌شود. در بیانه خانواده لطیف العانی از مرگ این هنرمند به‌عنوان یک فقدان بزرگ برای مردم عراق یاد شده است.

بی‌بی‌سی: مدینه حسینی، پناه‌جوی شش‌ساله افغان پس از آنکه پلیس کرواسی به خانواده او دستور بازگشت از مرز را داده بود، در تاریکی با قطار برخورد کرد و جان باخت. دادگاه حقوق بشر اروپا حکم داده که حقوق مدینه نقض شده است. بنا بر حکم دادگاه، دولت کرواسی باید ۱۰ هزار یورو غرامت به خانواده او بپردازد.

دیلی‌میل: «گری استفان ماینارد» ۴۷ساله استاد سابق حقوق کیفری مسبب چهار آتش‌سوزی بزرگ در کالیفرنیاست که در صورت محکوم‌شدن نهایی برای هر اتهام باید ۲۰ سال در زندان مانده و ۲۵۰ هزار دلار هم جریمه بپردازد. این استاد سابق که حقوق کیفری درس داده و متخصص در فرقه‌های انحرافی بوده، همه چیز را انکار کرده است.

دیلی‌میل: رسانه‌های چینی اقدام به پخش تصویری از حضور پنگ شوای، تیبیس‌باز زن مشهور این کشور که در روزهای اخیر ناپدید شده بود کردند. براساس این تصاویر پنگ شوای در یک تورنمنت نوجوانان در پکن حاضر بوده است. این تیبیس‌باز برنده جایزه ویمنلدون پس از متهم‌کردن یک سیاستمدار ارض حزب کمونیست چین به تجاوز جنسی ناپدید شده بود.

اتفاق

